

میلادی و اهمیت یافتن بیش از پیش منابع انرژی به شدت افزایش یافت و با موج توسعه‌یافتگی غول‌های جهان‌سومی پیشین- چین، هندوستان، برزیل و ...- در دهه‌های پیش‌رو، ما را با وضعیتی بهتر روبه‌رو خواهد کرد. همه‌ظرافت و سختی کار در آن است که ما در عین مستقل ماندن، بتوانیم تعادل شکننده میان قدرت‌های بزرگ پیشین و قدرت‌های نوظهور اقتصادی را چه میان خودشان، چه میان آن‌ها و خود حفظ کنیم که این سیاستی قدرتمند را در سطوح داخلی و خارجی ایجاد می‌کند. بدترین انتخاب در این زمینه‌ها، یک‌سیاست خارجی مبتنی بر وابستگی به هر دولت بیگانه از ائتلافی از دولت‌های بیگانه و یک سیاست داخلی مبتنی بر نولیبرالیسم و الگوی اقتصادی امریکایی است. در برابر، بهترین گزینه، یک سیاست خارجی به دور از قدرت‌طلبی اما قدرتمند، مستقل و معتدل و یک سیاست داخلی مبتنی بر از میان بردن تمامیات نظامی گرا، در عین مبارزه سخت با فساد مالی و اداری و ایجاد یک دولت رفاه ملی به شمار می‌آید.

● **باز اگر به تاریخ بنگریم، اقلیم سخت و خشک و شیوه مشکل معیشت در این سرزمین سخت و خشک، آیا می‌تواند در پیدایش بستر خشونت‌زا در جامعه تاریخی ایران مؤثر بوده باشد؟**

هرچند کمبود منابع از جمله منبع غذایی و آب همواره در تاریخ بشر از دلایل اصلی دامن‌زدن به اختلافات و جنگ و تنش بوده‌است، اما گمان نمی‌کنم مشکل ما در این موارد باشد، به دلیل آن که ایران صرفاً سرزمینی خشک، سخت، ناهموار و زلزله‌خیز نیست، بلکه یکی از غنی‌ترین و ثروتمندترین سرزمین‌های جهان چسه از لحاظ منابع زیرزمینی، چه میراث فرهنگی، چه اقلیم گسترده و متنوع، چه نیروی انسانی جوان است. حتی کویر نیز اگر مدیریت داشته باشیم می‌تواند یکی از بزرگ‌ترین منابع توریستی ما در سطح جهان باشد.

● **چنین ویژگی‌هایی که پیش‌تر بدان‌ها اشاره شد، آیا تنها به این سرزمین و جامعه محدود می‌شده یا هر جامعه و مردمانی را در چنین وضعیت‌های همسان هم‌تراز، به‌سوی تولید و گسترش خشونت راه می‌برده‌است؟**

چنین موقعیت‌هایی، موقعیت‌هایی‌اند که عموماً به موقعیت‌های خشونت‌آمیز بسیار سخت کشیده شده‌اند. مثلاً در این‌باره کشورهای عربی به دلیل کمبود منابع آب و تنوع بالای قومی اغلب تا مرز نابودی پیش رفته‌اند، یا ژئوپلیتیک این منطقه دلیل اصلی تحریک تقریباً کامل افغانستان و فرو رفتن در فساد گسترده در قفقاز بود. امروز هرچند حرکت جهانی به‌سوی رژیم‌های آمرانه، دیکتاتوری و پوپولیسم را نمی‌توان منکر شد، اما ما توانستیم تا اندازه‌ای از آن خطر دور بمانیم. البته با شرایط مناسب و آزادی فاصله‌ی بسیار زیاد داریم اما با معیارهای منطقه‌ای فکر نمی‌کنم وضعیتی بدتر داشته باشیم. این نکته را نیز اما نباید از یاد ببریم که این وضعیت را مدیون دو عنصر بوده‌ایم: یکی پیشینه وجود دولت و سیاست‌های مدیریتی بر پهنه‌های بزرگ متنوع قومی که هزاران سال است در ایران وجود داشته‌است، دو، به دلیل ژئوپلیتیک بسیار شکننده منطقه که تخریب و خشونت نیز در ایران را تقریباً برای همه به خطری بزرگ در سطح دامن‌زدن به یک بحران جهانی جدید تبدیل می‌کند؛ همین دلیل اصلی بود که چند سال پیش از حمله اسرائیل‌آمریکایه ایران جلوگیری کرد.

● **خشونت‌های دولت مدرن یا شبه‌مدرن و ساختارهای نهادی برآمده از آن در یک سده اخیر در ایران، تا چه اندازه در این زمینه- چه مثبت چه منفی- در کنترل یا گسترش خشونت نقش داشته‌است؟**

تأثیر مثبت آن به نظر من بالا رفتن سرمایه‌های فرهنگی اقتصادی و اجتماعی بوده‌است که البته در این زمینه عمدتاً مدیون ملی شدن صنعت نفت‌ایم که درآمد لازم را برای کشور پدید آورد و سپس مدیون انقلاب و جنگ هشت‌ساله تحمیلی‌ایم که گروهی از شمارها و اهداف را در ایران دینی کرده‌است و جامعه‌ی دولت‌ها را جوشانده از آن‌ها دور شوند باید پاسخگوی همه چیز بنه‌های انسانی باشند که جامعه برای مطالبه حقوق شهروندی خود در گذر نیم سده اخیر برای رسیدن به استقلال و آزادی پیدا کرده‌است؛ هرچند بخش بزرگ این مطالبات هنوز تأمین نشده‌اند اما باید امید داشت که حرکت به سوی تأمین آن‌ها باشد، وگرنه سر نوشتی غم‌انگیز در انتظار مان خواهد بود.

● **آیا ما در تاریخ ایران، فرای وجود بسترهایی برای تولید و گسترش خشونت- اگر چنین انگاره‌ای را بپذیریم- با خشونت‌های سازمان‌یافته و بر پایه اندیشه، نگرش‌ها و باورهای فلسفی روبه‌رو بوده‌ایم؟**

خشونت سیاسی، شکل غالب هم‌زمانی و سلطه‌های سیاسی تا پیش از دولت مدرن در سراسر جهان بوده‌است. ما نیز از این قاعده مستثنا نبوده‌ایم اما گمان نمی‌کنم در ایران وضعیتی بسیار نامطلوب‌تر از کشورهای همسایه و قابل مقایسه با ما وجود داشته باشد؛ برعکس فکر می‌کنم خشونت در کشور ما هم نسبتاً کمتر بوده‌است، هم بسیار کمتر ایدئولوژیک و به تعبیر شما «فلسفی»، که البته این مساله به فلسفه ربطی ندارد. ممکن است بر سرسید چرا ما کمتر خشونت‌هایی از نوع ایدئولوژیک یا شبه ایدئولوژیک داشته‌ایم. دلیل، در نفی و جوهره شکل‌گیری دولت تاریخی و نه مدرن در ایران، از سده پنجم پیش از میلاد هژمونی با دولت- شهرداری یونانی است. این دولت بر پهنه‌ای بسیار بزرگ از مهاجرانی تشکیل شده بود که از چهار گوشه این کشور به سوی مرکز آن پیشانستی و درونی شدن پیدا کرد. بیرونی و عربان را به خشونتی پنهان، پوشیده می‌کنند، این بخشی‌است که فو کو در مجموعه آثارش درباره تبارشناسی مدرنیته به خوبی نشان داده‌است. در این حالت روشن‌است بیشتر این مسافران که از دولت‌های سده نوزدهمی به بعد در جهان به راه می‌افتند، شدت خشونت‌هایی آشکار و عمومی برایشان شگفت‌انگیز باشد.



● **تجرب و فلک کردن در دور فلک بزرگساز آنتوان سورنوگین**

بررسی پیشینه و حرکات تاریخی - جغرافیایی پدیده «خشونت» در ایران در گفت‌وگو با دکتر ناصر فکوهی

واکاوی خشونت در تاریخ ایران

● **آیا به روایت‌های جهانگردان تاریخی درباره وجود نمودهایی از خشونت اجتماعی در تاریخ جامعه ایران می‌توان اعتماد کرد**

● **ظرفیت‌ها و بسترهای خشونت‌زا در تاریخ یک سرزمین چگونه پدیدار می‌شوند**

انسان‌شناسی سیاسی خود را در سال ۱۳۷۳ خورشیدی از دانشگاه پاریس گرفته، آن‌ساری گوناگون در حوزه انسان‌شناسی دارد. از مهم‌ترین نوشته‌های وی می‌توان به کتاب‌های «تاریخ‌اندیشه‌ونظر به‌های انسان‌شناسی»، «انسان‌شناسی شهری» و «پاره‌های انسان‌شناسی» اشاره کرد. او همچنین مدیریت موسسه انسان‌شناسی و فرهنگ را بر عهده دارد. با فکوهی درباره خشونت در تاریخ گفت‌وگو کردیم.

امروز- از دیگر بسترهای خشونت‌زا در تاریخ به شمار می‌آید، همان‌بسترها و عمل‌های تاریخی و جغرافیایی، در کنار ویژگی‌های فرهنگی، قومیتی و نژادی، تصویری از نسبت ایرانیان با پدیده خشونت در تاریخ در زمینه‌های گوناگون می‌تواند نقش بدهد. دکتر ناصر فکوهی، استاد سرگدشتی به شمار می‌آید که مردمان این سرزمین در گذر روزگار آموخته‌اند. هم‌تراز این تاریخ پرنگامه، جغرافیای سرزمینی ایران و جای‌گیری در یکی از پر تنش‌ترین منطقه‌های جهان- از روزگاران باستانی تا

مهدی یساولی- دبیر روایت‌نو خشونت در گستره‌های گوناگون سیاسی، نظامی، اجتماعی، حتی فرهنگی و بر پایه باورها و اعتقادات، از پدیده‌های مهم جهان امروز به شمار می‌آید. بررسی این پدیده آسیب‌سان به تمدن بشری اما بدون آگاهی از پیشینه و شناخت بسترهای تاریخی آن در سرزمین‌های گوناگون، به جای درست راه نخواهد برد. سرزمین ایران، با تاریخی دیرینه، دوره‌های گوناگون حکومت‌گری، اجتماعی و زندگی

کردن، افزایش امتیازات میان آن‌ها و کاهش سیاست‌های همگانی رفاهی ببریم باید به روشنی در انتظار وقوع خشونت‌هایی بیش‌تر باشیم که همه را هدف می‌گیرد و نه تنها گروه‌های فرو دست را.

● **رخسداد چند جنبش و خیزش سیاسی و اجتماعی در تاریخ معاصر ایران، دو انقلاب بزرگ اجتماعی و یک کودتای سیاسی علیه دولت قانونی دکتر مصدق و البته یک جنگ بزرگ برای دفاع از کشور با عراق داشته‌ایم. در کنار این وقایع بزرگ، خشونت‌هایی نیز در مقیاس‌های بسیار کوچک‌تر داشته‌ایم که اغلب با یکی از وقایع یادشده پیوند خورده‌اند. بررسی این خشونت از لحاظ ابعاد و در نظر میزان عمق خشونت، به جز جنگ هشت‌ساله تحمیلی که یکی از بزرگ‌ترین جنگ‌های پس از دو جنگ جهانی در مقیاس ملی بوده‌است، دیده نمی‌شود، اما حتی همین جنگ نیز بیشتر در سطح مرزی باقی ماند و جز در اواخر آن**

کردن، افزایش امتیازات میان آن‌ها و کاهش سیاست‌های همگانی رفاهی ببریم باید به روشنی در انتظار وقوع خشونت‌هایی بیش‌تر باشیم که همه را هدف می‌گیرد و نه تنها گروه‌های فرو دست را.

● **چه زمینه‌های تاریخی اساساً موجب می‌شود ظرفیت‌های تولید و گسترش خشونت در لایه‌ها و متن یک جامعه پدیدار شود؟**

خشونت یک رفتار بی‌دلیل نیست، البته جز موارد روان‌شناختی و بیماری‌هایی ویژه که جنبه عمومی ندارد. بنابراین اگر خشونت‌ببینیم باید دلایلی واقعی وجود داشته باشد. من جزو طرفداران نظریه‌هایی هستم که معتقدند خشونت، جزئی از ذات طبیعت نیست، که، انحرافی در طبیعت و در انسان شمرده می‌شود؛ به ویژه در انسان که یک موجود شکارچی نبوده و نیست، ولی حتی جانوران شکارچی، جانوران دیگر را برای «لذت» نمی‌کشند و این طبیعت شکارچی‌شان است که آن‌ها را بدین کار می‌کشاند. بنابراین وقتی خشونت را می‌بینیم باید دلایل اجتماعی‌اش را بررسی کنیم. در این میان بدترین دیده خود و دیگران پنهان کنیم. این سیاستی است که سال‌ها در ایران در چند دهه اخیر رایج بوده، استدلال چنین سیاستی آن بود که سخن گفتن از خشونت‌های موجود، اشاعه آن را در پی می‌آورد. شکی نیست که نمایشی کردن خشونت به خشونت دامن می‌زند، مثلاً اعدام در ملا عام و مواردی از این‌طور، اما اطلاع‌رسانی درباره خشونت و توضیح و تحلیل اجتماعی آن، برعکس می‌تواند از عوامل کاهش خشونت باشد.

این که ما برای خانواده‌ها توضیح دهیم تا چه اندازه خشونت خانوادگی وجود دارد، به چه دلیل و چه باید کرد، این کارها خشونت خانوادگی را افزایش نمی‌دهد؛ البته برای مبارزه با خشونت خانوادگی نیز کافی نیست.

اصافزون بسر اطلاع‌رسانی یا نوعی آموزش و برنامه‌های تربیتی، آنچه بیشتر اهمیت دارد، یافتن دلایل خشونت و مبارزه با این دلایل است که به‌سور من مهم‌تر به شمار می‌آید. در دنیای مدرن این دلایل تا اندازه‌ای زیاد روشن‌است و برای آن‌ها مصادیقی بی‌شمار وجود دارد: الگوی توسعه آمریکا و خشونت موجود در این کشور را که در آن تقریباً هر روز یک کشتار جمعی رخ می‌دهد را با الگوی توسعه اروپای شمالی (اسکاندیناوی) مقایسه کنیم، می‌فهمیم خشونت با یک سیاست اقتصادی- اجتماعی انسان‌محور کنترل‌پذیر، قابل کاهش است. هر اندازه جامعه را به سمت درگیر کردن افراد به رقابت با یکدیگر، سلسله‌مراتبی

مؤثر بوده و در بدترین ساختارهای مناسب برای خشونت نیز توانسته‌اند آن را کنترل کرده، کاهش می‌یابد؟

● **جغرافیای تاریخی سرزمین ایران و جای‌گیری در یک منطقه ویژه از نگاه ژئوپلیتیک- که از دوره‌های دیرینه تا روزگار معاصر، شعله التهاب برآمده از جنگ‌ها، غارت‌ها و ویرانی‌ها را همواره در این سرزمین و در میان جامعه روشن می‌داشته- تا چه اندازه در پیدایش این وضعیت تأثیر گذارده‌است؟**

پر تنش بسیار خوبی‌است؛ اتفاقاً یکی از مشکلات مردم ما آن است که اغلب فراموش می‌کنند در یکی از خشونت‌بارترین نقاط جهان قرار گرفته‌اند که ژئوپلیتیک بسیار شکننده دارد. این سده بیستم ژئوپلیتیک از نیمه سده بیستم

مؤثر بوده و در بدترین ساختارهای مناسب برای خشونت نیز توانسته‌اند آن را کنترل کرده، کاهش می‌یابد؟

● **جغرافیای تاریخی سرزمین ایران و جای‌گیری در یک منطقه ویژه از نگاه ژئوپلیتیک- که از دوره‌های دیرینه تا روزگار معاصر، شعله التهاب برآمده از جنگ‌ها، غارت‌ها و ویرانی‌ها را همواره در این سرزمین و در میان جامعه روشن می‌داشته- تا چه اندازه در پیدایش این وضعیت تأثیر گذارده‌است؟**

پر تنش بسیار خوبی‌است؛ اتفاقاً یکی از مشکلات مردم ما آن است که اغلب فراموش می‌کنند در یکی از خشونت‌بارترین نقاط جهان قرار گرفته‌اند که ژئوپلیتیک بسیار شکننده دارد. این سده بیستم ژئوپلیتیک از نیمه سده بیستم

مؤثر بوده و در بدترین ساختارهای مناسب برای خشونت نیز توانسته‌اند آن را کنترل کرده، کاهش می‌یابد؟

● **جغرافیای تاریخی سرزمین ایران و جای‌گیری در یک منطقه ویژه از نگاه ژئوپلیتیک- که از دوره‌های دیرینه تا روزگار معاصر، شعله التهاب برآمده از جنگ‌ها، غارت‌ها و ویرانی‌ها را همواره در این سرزمین و در میان جامعه روشن می‌داشته- تا چه اندازه در پیدایش این وضعیت تأثیر گذارده‌است؟**

پر تنش بسیار خوبی‌است؛ اتفاقاً یکی از مشکلات مردم ما آن است که اغلب فراموش می‌کنند در یکی از خشونت‌بارترین نقاط جهان قرار گرفته‌اند که ژئوپلیتیک بسیار شکننده دارد. این سده بیستم ژئوپلیتیک از نیمه سده بیستم

مؤثر بوده و در بدترین ساختارهای مناسب برای خشونت نیز توانسته‌اند آن را کنترل کرده، کاهش می‌یابد؟

● **جغرافیای تاریخی سرزمین ایران و جای‌گیری در یک منطقه ویژه از نگاه ژئوپلیتیک- که از دوره‌های دیرینه تا روزگار معاصر، شعله التهاب برآمده از جنگ‌ها، غارت‌ها و ویرانی‌ها را همواره در این سرزمین و در میان جامعه روشن می‌داشته- تا چه اندازه در پیدایش این وضعیت تأثیر گذارده‌است؟**

پر تنش بسیار خوبی‌است؛ اتفاقاً یکی از مشکلات مردم ما آن است که اغلب فراموش می‌کنند در یکی از خشونت‌بارترین نقاط جهان قرار گرفته‌اند که ژئوپلیتیک بسیار شکننده دارد. این سده بیستم ژئوپلیتیک از نیمه سده بیستم

مؤثر بوده و در بدترین ساختارهای مناسب برای خشونت نیز توانسته‌اند آن را کنترل کرده، کاهش می‌یابد؟

● **جغرافیای تاریخی سرزمین ایران و جای‌گیری در یک منطقه ویژه از نگاه ژئوپلیتیک- که از دوره‌های دیرینه تا روزگار معاصر، شعله التهاب برآمده از جنگ‌ها، غارت‌ها و ویرانی‌ها را همواره در این سرزمین و در میان جامعه روشن می‌داشته- تا چه اندازه در پیدایش این وضعیت تأثیر گذارده‌است؟**

پر تنش بسیار خوبی‌است؛ اتفاقاً یکی از مشکلات مردم ما آن است که اغلب فراموش می‌کنند در یکی از خشونت‌بارترین نقاط جهان قرار گرفته‌اند که ژئوپلیتیک بسیار شکننده دارد. این سده بیستم ژئوپلیتیک از نیمه سده بیستم

